

لوس آنجلس - کدینه، ۱۵ اوت ۱۹۹۷ = ۲۴ مرداد ۱۳۷۶

دوست بسیار نازنین و هنرمندم: سرکار خانم ژاله اصفهانی  
 با درود و مهر فرادان، امیدوارم که سرخوش و تندرست و کامیاب باشید.  
 نامه مهر آمیز شما (موضوع نهم اوت جاری) امروز به دستم رسید و هم اکنون از  
 بیم تأخیر ناخواسته، به نوشتن پاسخش پرداخته‌ام:  
 نوشته شما، همراه نقد خانم «سیمین بهبانی»، زیر عنوان «دو نقد بر  
 یک کتاب» در شماره اخیر مجله «روزگار نو» (تیرماه ۱۳۷۶) انتشار  
 یافته و به دست من رسیده است و امیدوارم که به دست شما هم رسیده باشد.  
 آقای «پوروالی» سنگ تمام گذاشته و هر دو نوشته را به بهترین شکل،  
 چاپ کرده است و من از این بابت بسیار خرسندم زیرا این جوابی مستقیم  
 به آن حضرت سردیر «ایران نامه» (یا به عبارت کوتاه تر: آقای «هنر حکمت») است  
 که بعد از ماجرا، نامه پوزشخواهانه ای هم به من نوشته و در صدد توجیه  
 عمل ناروای خود برآمده بود و من، نامه او را بی جواب گذاشتم.  
 باری، امیدوارم که چاپ این دو نقد (و یا بهتر بگویم: شیوه ارائه آنها)  
 شما را نیز چون من خرسند کرده باشد. واکنش برخی از دوستان که هر دو نوشته  
 را خوانده بودند، بسیار مثبت و مساعد بوده است.  
 نقد شما را بر «زیبای شاعر» در هفته نامه «کیرهان» (لندن) خواندم  
 و لذت بردم زیرا بسیار مهربانانه (و در عین حال: استادانه) شعر خانم «کربابی»  
 را بررسی کرده بودید و من، به سهم خویش، خوشحالم که زحمات شما در تربیت  
 این شاعره جوان (و آن دیگری که من هنوز شعری از او خوانده‌ام) نتایج نیکو  
 به بار آورده است. امیدوارم که در کار شعر خود، و نیز در تربیت استعداد های  
 نوین، توفیق روز افزون داشته باشید. سلام و تنای من و ژاله را بپذیرید  
 و به همسر ارجمندتان نیز برسانید. با مهر و سپاس، و به امید دیدار. دوست شما: ناز ناز آرزو